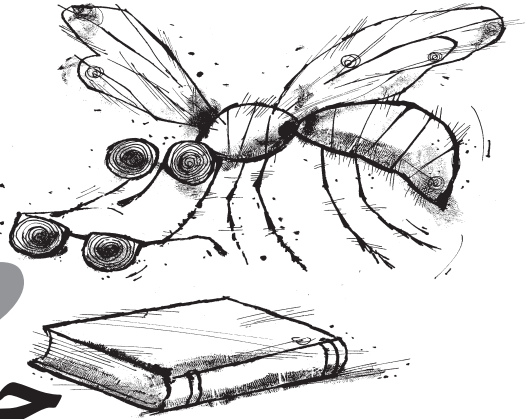


ما نویسندگان نمی‌توانیم چوب جادو به خوانندگانمان بدهیم، اما می‌توانیم کتاب‌هایی به آن‌ها بدهیم که در تحقق بخشیدن به آرزوهایشان آن‌ها را یاری کنند.

آسن یوسف، نویسنده



چگونه؟

چرا؟

آموزش،

نقد و بررسی خواندنی‌های

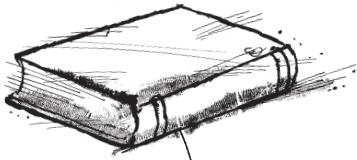
دکتر علی رؤوف

اشاره

نبودن، درشت یا ریز بودن حروف، متناسب یا نامتناسب بودن قطع کتاب با شرایط مخاطب همه قابل مشاهده‌اند و ملاک گرفتن از میان آن‌ها آسان است. اما برای قضاوت درباره مفید بودن یا نبودن مطلب، ضعیف یا قوی بودن پیام آن و ارزش‌های راستین یا دروغین اثر از کدام ملاک‌ها باید یاری گرفت؟ در این مقاله، علاوه بر شرح میسوطی در باب آداب نقد و نقادی، چهار ملاک نیز برای قضاوت در مورد خواندنی‌های آموزشی توضیح داده شده است که شایان توجهند.

تعیین ملاک و معیار برای قضاوت درباره کم و کیف کتاب‌های آموزشی را می‌توان دشوارترین چالش بر سر راه سامان‌بخشی این گونه کتاب‌ها دانست. در این زمینه هم برداشت‌های بسیار متفاوتی وجود دارد. با عیار یا سنگ محک می‌توان سکه قلب را از اصل بازشناخت؛ به عبارت دیگر، سره را از ناسره جدا کرد. اما آیا می‌توان برخی کتاب‌های آموزشی را قلب دانست و ناسره و برخی دیگر را اصل و سره؟ اساساً این گونه طبقه‌بندی کتاب‌های آموزشی صحیح است؟

در خصوص شکل ظاهری اثر، قضاوت چندان دشوار نیست. تصویر داشتن یا نداشتن، رنگی بودن یا



اغلب آن‌هایی که درباره نقد و بررسی خواندنی‌ها سخن گفته‌اند، بر این باورند که **بررسی کنندگان یا نقدپردازان آثار، وجدان بیدار جامعه هستند.** از همین روی نقد و بررسی هدفدار را توصیه می‌کنند و چنین نقدی را «**برگزیدن بهین چیز**» می‌دانند (استاد عبدالحسین زرین کوب).

نقد را می‌توان به معنی « رأی زدن» یا « داوری کردن» دانست

با این باور، **نقد** را می‌توان به معنی «رأی زدن» یا «داوری کردن» دانست. داوری‌ها باید از روی **خبرگی و بصیرت** درباره موضوع مورد بررسی صورت بپذیرد. **شارل بودلر**، در مقاله «نقد به چه درد می‌خورد»، خبرگی و بصیرت نقدکنندگان را به زیبایی این گونه توصیف می‌کند: «هر زمان و هر جامعه، برای معرفی و بیان بهین چیزهای خود، شیوه‌های خاص زمانی و مکانی خود را دارد. نقدکننده عاقل و مشتاق کسی است که به شرایط موجود تن در دهد و با سادگی هر چه بیشتر، به داوری همان چیزهای ممکن بنشیند که به درد همان زمان و همان جامعه می‌خورد».

پس، «بهین برگزیدن در کار نقد و بررسی» بستگی به شرایط زمان دارد تا سره‌ها از ناسره‌ها جدا شوند و ارزش‌های زندگی مفهوم خود را پیدا کنند. اگر نقدکننده، ارزش‌های زندگی به روز را دریافته باشد و بتواند ظرایف آن را بشکافد، به بهبود بخشیدن زندگی مصرف‌کنندگان خواندنی‌ها کمک کرده است. چنین است که نقدپردازان را وجدان بیدار جامعه نامیده‌اند.

طبیعی است، در بررسی و ارزیابی خواندنی‌های ادبی، اختلاف سلیقه‌های بسیار پیدا می‌شود. اما آیا در بررسی‌ها و ارزشگذاری‌های **خواندنی‌های آموزشی** هم می‌توان اختلاف سلیقه‌ها را بر شانه نقد و بررسی هموار کرد؟ سخن ناب، در پاسخ به همین

پرسش آشکار می‌شود.

نقد کردن «صناعت» است. صنعتی است حرفه‌ای. پیشه‌ای است که با آن کار می‌کنند. **ارسطو** صنعت یا کار و حرفه را در برابر «علم» می‌گذارد و به این ترتیب آن را معنی می‌کند: «**طب که از بیماری‌ها و علت‌های آن‌ها گفت و گو می‌کند، یک علم است، اما وقتی برای دفع بیماری‌ها راهیابی می‌کند، صنعت است. صنعت نقد و بررسی هم همین حالت را دارد.**»

با این تعریف ارسطو، کار و حرفه نقدپردازان به گونه‌ای پیش می‌رود که اجازه نمی‌دهد، فضل فروشان از شهرت بی‌جا بهره‌مند شوند و دانیان وارسته در تاریکی گمنامی بمانند. مهم این است که در تمیز درست و نادرست **وجدان علمی - consciouce Scientfllic** - ناظر بر داوری‌ها باشد (نقل به مفهوم از استاد زرین کوب).

نکته ظریف و قابل تأملی وجود دارد، و آن «**نظرداشتن یا نظر مندی**» در نقد است که اگر ظرافت خود را حفظ کند و راه درست خود را ببیماید، می‌توان آن را **نکته ظریف مثبتی** دانست. از قدیم «**نظروزی**» در نقد جنبه‌های اخلاقی یا اجتماعی، نیرومندی داشته است؛ چون نیازها و مقتضیات فکری - اجتماعی هر دوره را تعیین می‌کند. همین نکته ظریف به پدیدآورندگان خواندنی‌های آموزشی نشان می‌دهد که برای رفع آن نیازها چه باید کرد. این کاری است که فقط از عهده نقدپردازان صنعتگر برمی‌آید. زیرا آن‌ها هستند که در هر اوضاع و احوالی که باشند، همواره چشم به آینده می‌دوزند و با در نظر گرفتن مقتضیات هر زمان، نیاز نسل خود را به سوی پیشرفت و رسیدن به مقصود رهبری می‌کنند.

درست است که پدید آورندگان خواندنی‌های آموزشی خود مقتضیات را درک می‌کنند، اما منتقدان یا نقدپردازان، زودتر، قطعی‌تر و روشن‌تر با حرکت زمان خود را تطبیق می‌دهند و خویش را موظف نمی‌دانند که فقط به نیازهای زودگذر حال توجه



داشته باشند.

با هدفمندی‌های جامعه - که روی خط زمان حال و آینده در حرکت است - نیامیزند.

بررسی و قضاوت در مورد خواندنی‌های آموزشی با چهار ملاک عمده، شفافیت به روز و به هنگام پیدا می‌کند.

۱. هدفیابی اثر^(۱)

۲. سنجش زبان و بیان^(۲)

۳. ارزشگذاری^(۳)

۴. داوری^(۴)

نقد پدیده سودمندی است که زندگی اجتماعی هر ملت و هر قومی را از ساده‌اندیشی‌ها و ساده‌نگری‌ها رهایی می‌بخشد

به هر حال، نقد پدیده سودمندی است که زندگی اجتماعی هر ملت و هر قومی را از ساده‌اندیشی‌ها و ساده‌نگری‌ها رهایی می‌بخشد. و اگر هیچ خدمت دیگری از عهده این پدیده بر نیاید، باید برای ارزش و بهای همین «تک خدمت» احترام لازم را مبذول داشت.

سخن تی. اس. الیوت، شاعر و نویسنده شناخته شده انگلیسی (اصلاً آمریکایی) لطف دیگری دارد. او می‌گوید: «یگانه تقدیردازانی که نوشته‌شان ارزش خواندن دارد، آنانی هستند که خودشان در آن موضوعی که نقد می‌کنند، دست دارند». در واقع، الیوت بر صلاحیت حرفه‌ای نقدپردازان و داوران آثار نوشته شده، در هر موضوعی که مطرح شده‌اند، تأکید می‌کند و آن را ضروری می‌داند.

وقتی که صلاحیت حرفه‌ای برررسی‌کنندگان و نقدپردازان و داوران خواندنی‌های آموزشی را مهم بدانیم، نوبت آن می‌رسد که وظیفه‌های حرفه‌ای آنان را واری کنیم. اگرچه این واری، به سبب تنوع باورها - حتی در باورهای حرفه‌ای - چنان است که جمع و جور کردن آن دشوار به نظر می‌رسد، با این همه نمی‌توان خواندنی‌های آموزشی را دور از تغییرها و تحول‌های سریع زمان به نقد کشید و به داوری آن‌ها پرداخت. بنابراین، دستیابی به اصول معتبرتر و قابل قبول‌تر دور از امکان نیست. اولین وظیفه برررسی‌کنندگان خواندنی‌های آموزشی، جدا کردن خوب‌ترین از خوب‌هاست، نه تشخیص خوب از بد. لازمه انجام چنین وظیفه‌ای این است که داوران خواندنی‌های آموزشی، خواست شخصی، گروهی و حتی باورهای حرفه‌ای خویش را

۱. هدفیابی

نقدپرداز قبل از هر چیز دنبال هدف پدید آورنده اثر یا مطلب خواندنی می‌گردد. خواندنی‌های بی‌هدف در گردونه کاری نقدپردازان حرفه‌ای نمی‌گنجند. یافتن هدف اصلی هر نوشته‌ای، به جست و جوی حرفه‌مندانه نیاز دارد.

تعیین مفید بودن یا نبودن هر اثر خواندنی، تنها موردی است که نقدپرداز باید بر آن تکیه داشته باشد

تشخیص این که نویسنده یک اثر آموزشی تا چه میزان توفیق یافته است به هدف اصلی و واقعی خود برسد، به طوری که مخاطبان آن اثر، سود بردن خودشان را از مطالعه آن، در زمان حال و آینده، دریافت کنند، به دقت عالمانه و هوشمندانه‌ای نیاز دارد که باید در داور یا داوران آن دیده شود. در واقع، دنبال کردن نقد و بررسی آثار پدید آورندگانی که هدفی را نجسته‌اند، کار بی‌منزلی است. داوران حرفه‌ای می‌توانند در تعیین سودمندی یا زیانمندی پیام برای مخاطبان اثر، دخالت مستقیم داشته باشند. تعیین مفید بودن یا نبودن هر اثر خواندنی، تنها موردی است که نقدپرداز باید بر آن تکیه داشته باشد. پر بدیهی است که این تشخیص و تعیین در مورد خواندنی‌هایی که برای آموزش کودکان و نوجوانان عرضه

می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر خواندنی‌های آموزشی که برای این گروه نوشته می‌شوند پیامی کم اثر و یا غیر ضروری، و در پاره‌ای از موارد گمراه کننده داشته باشند، نباید از طریق بررسی و نقد بهایی به آن‌ها داده شود، بلکه باید در بوتۀ گمنامی بمانند تا پژمرده شوند و بخشکند. اگر چه در پاره‌ای از موارد حاد و زیانبار لازم است که نقدپردازان متعهد و مسؤول، هدف‌های ناهنجار را از پرده بیرون بکشند تا اثر سوئی بر دریافت کنندگان نداشته باشد.

بی تردید برترین اولویت به کلام هر اثر تعلق دارد

۲. سنجش زبان و بیان

نقدپرداز، بعد از دریافت هدف یا پیام هر اثر خواندنی، زبان و بیان آن را می‌سنجد. در خواندنی‌های آموزشی، زبان و بیان عامل مهمی است که وظیفۀ پیام‌رسان را سنگین‌تر می‌کند. اگر پای صحبت خانم ماری کینگز بری بنشینیم، می‌شنویم که می‌گوید: «بی تردید برترین اولویت به کلام هر اثر تعلق دارد. باید مخاطبان بفهمند که نویسنده چه به روز کلمات آورده است و جمله‌ها و عبارات‌ها را چگونه کنار هم گذاشته است. در واقع، هر نوشته از کلمه‌ها و عبارات‌ها و جمله‌ها تشکیل می‌شود، نه از آجر و سیمان. هر اثری که نوشته می‌شود، فقط و فقط ترتیبی از کلمه‌هاست. هنگام نقد و بررسی باید این مصالح را هم بشناسیم؛ یعنی نحوه به کارگیری کلمات را».

پس از این مقدمه می‌گوید: «حقیقت پا بر جا این است که نوشته نشده‌ها حد و حدود فهم و ادراک نوشته نشده‌ها را هم تعیین می‌کنند. یعنی نوشته‌ها حاکم بر نوشته‌ها نیز هستند. خواننده اثر قادر نیست همه چیز را در خلال یک نوشته درک کند. کلمه‌ها هستند که در سطر سطر نوشته‌ها، حد و مرز آنچه را که با جوهر نامرئی نوشته شده است، تعیین می‌کنند».

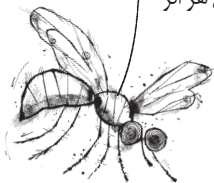
با این توصیف، معلوم است که شیوۀ نوشتن و چین کلمات در کنار هم از اهمیت فراوانی برخوردار است. شیوه‌های نوشتاری خوب، ساده و قابل فهم، میل و عادت به خواندن را تقویت می‌کنند و به پرورش خواسته‌ها و سلیقه‌های مخاطبان می‌پردازند. زیبایی، روانی، سادگی و سلامت کلام، درک سریع مطلب را سبب می‌شود. اگر سبک نویسنده در زبان و بیان مطالب برای خواننده قابل هضم نباشد، شکست اثر از همان ابتدا محرز است. همه آنچه که درباره ملاک زبان و بیان گفته شد، در مورد خواندنی‌های آموزشی - چه برای کودکان و نوجوانان و چه برای بزرگسالان - اهمیت و ابهت بیش‌تری به خود می‌گیرد؛ به ویژه اگر مطلب یا اثر خواندنی در حیطۀ علوم به روز باشد و «دانش‌افزایی مخاطبان» را هدف گرفته باشد.

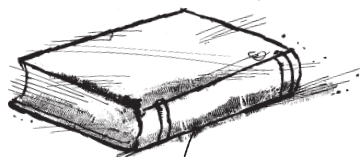
۳. ارزشگذاری

آن‌گاه که اثری مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد، هم نکته‌های مثبت و هم نکته‌های منفی آن آشکار می‌شود. با سبک سنگین کردن یافته‌های نقدپرداز، ارزش راستین و منصفانه اثر نیز معلوم می‌شود. آثاری که واجد ارزش‌های عالی و مثبت هستند، ماندنی‌ترند. اما آن‌هایی که عاری از هر گونه ارزش و نکته‌های برجسته یا قابل قبول هستند، زود می‌میرند و فنا می‌شوند.

آیا اثری که در دست بررسی و تحلیل داریم، قادر است به خوانندگان لذت مطالعه و دریافت مطلبی نو، تازه و ندانسته را بدهد؟ به نظر می‌رسد که اولین گام، پاسخ به این پرسش است؛ چون: «مهم‌ترین دریافت از خواندن و مطالعه یک اثر نوشته شده این است که ارزش‌های تازه و مثبتی برای خواننده به ارمغان بیاورد و این میل را در درون او بشوراند که علیه تمام آنچه که چنین ارزش‌هایی را تهدید می‌کنند، به مبارزه برخیزد».

این سخن را کیوما تسونوکار گفته است. مفهوم حرف او این است که جست و جوی ارزش‌های هر اثر





خواندنی باید با شور و شوق و میل به دانستن همراه باشد. کشف این واقعیت، به قول شارل بودلر، «مرد کار» لازم دارد. از همین رو، ارزشگذاری دشوارترین مرحله نقدپردازی است و باید از هر گونه شائبه فردی و شخص خالی باشد. به سخن دیگر بهتر است، ارزشیابی‌های رقیق و کم توش و توان صورت نگیرند.

ارزشگذاری دشوارترین مرحله نقدپردازی است

۴. داوری

خانم کینگزبری سهم نقدپردازان را در داوری خیلی بیش‌تر از سهم خواننده معمولی می‌داند. اگر داوری به گونه‌ای باشد که درک مخاطبان را نسبت به اثر بیش‌تر و بیش‌تر کند، به این معنی است که آنان را تشویق کرده است تا مجدداً بازگشتی به اصل اثر بکنند. آن وقت لذتی را که از دوباره خوانی اثر به دست می‌آورند، مدیون نقدپرداز خواهند بود و احتمالاً با خود خواهند گفت: «چرا این موضوع را من نفهمیده بودم؟!»

هیچ تردیدی نباید داشت که «داوری» پر مسؤولیت‌ترین مرحله نقد و بررسی آثار است. داوری، پس از آن که نکته‌ها و ارزش‌های آشکار شده را کنار هم می‌چیند و می‌خواهد به داوری بپردازد، به وجدانی زنده و بیدار نیاز دارد تا ارزش‌های مثبت، والا و تعیین کننده را ارج نهد و حق همه چیز را ادا کند. این وجدان زنده از آن وجدان‌هایی است که با ردیف کردن ارزش‌های مثبت و منفی، خواننده را وا می‌دارد با خودش کلنجار برود یا پرسش‌هایی از خود بکند؛ پرسش‌هایی همچون:

نمی‌دانم چرا این مطلب مهم را درک نکرده بودم که ... (مثبت)

راستی حرف به درد خوری است که ... (مثبت)
اگر این مورد را تجربه کنی، حتماً ... (مثبت)
ای کاش این طور نبود ... (منفی)
چه خوب بود اگر ... (منفی)

اثر نقصی نداشت، چنانچه ... (منفی)

تجدید نظری باید تا ... (منفی)

در داوری خواندنی‌های آموزشی باید جمله معروف جورج الیوت (نام مستعار ماری آن اوانز - Mary Ann Evans - بانوی نویسنده انگلیسی) را به یاد آوریم که گفت: «اشاره‌ها در داوری کوچکند و قابل اندازه‌گیری هستند، اما تعبیر و تفسیر آن‌ها نامحدود است.»

حرفی نیست که این دقت در داوری خواندنی‌های کودکان و نوجوانان سنگین‌تر و مسؤولانه‌تر است. چه این که، داور باید شدت آسیبی را تشخیص بدهد که مطالعه خواندنی‌های متوسط و نازل به ذوق کودکان وارد می‌آورد و سپس آن را با نتیجه‌ای که در اثر مطالعه خواندنی‌های عالی و ارزشمند به دست می‌آید، مقایسه کند. اگر غیر از این باشد، ممکن است خوانندگان خواندنی‌ها دچار نوعی «فقرزدگی کتاب خوانی» بشوند.

منابع

۱. نقد ادبی، دکتر عبدالحسین زرین کوب.
۲. جنبه‌های رمان، ادوارد مورگان فورستر، ترجمه ابراهیم یوسفی.
۳. فصل‌نامه‌های کانون، شماره‌های اول، دوم و سوم سال‌های ۵۲، ۵۳ و ۵۶.
۴. مقاله نظر گاهی چند بر نقد ادبیات کودکان، ماری کینگزبری، ترجمه علی رؤف.
۵. مجموعه انتقاد کتاب، انتشارات نیل، سال‌های ۴۳ تا ۴۷.

زیر نویس‌ها

1. Target Searching
2. Linguistic Measurement
3. Evaluation
4. Judgement